

عیسی و برادران او

¹ و بعد از آن عیسی در جلیل می‌گشت زیرا نمی‌خواست در یهودیه راه رود چونکه یهودیان قصد قتل او می‌داشتند.² و عید یهود که عید خیمه‌ها باشد نزدیک بود.

³ پس برادرانش بدو گفتند: از اینجا روانه شده، به یهودیه برو تا شاگردانت نیز آن اعمالی را که تو می‌کنی ببینند، زیرا هر که می‌خواهد آشکار شود، در پنهانی کار نمی‌کند. پس اگر این کارها را می‌کنی، خود را به جهان بنما.⁴ زیرا که برادرانش نیز به او ایمان نیاورده بودند.⁵ آنگاه عیسی بدیشان گفت: و قتمن هنوز نرسیده، اما وقت شما همیشه حاضر است. جهان نمی‌تواند شما را دشمن دارد و لیکن مرا دشمن می‌دارد زیرا که من بر آن شهادت می‌دهم که اعمالش بد است.⁶ شما برای این عید بروید. من حال به این عید نمی‌آیم زیرا که وقت من هنوز تمام نشده است.⁷ چون این را بدیشان گفت، در جلیل توقف نمود.

عیسی تعلیم می‌هد در معبد اورشلیم

⁸ لیکن چون برادرانش برای عید رفته بودند، او نیز آمد، نه آشکار بلکه در خفا.⁹ اما یهودیان در عید او را جستجو نموده، می‌گفتند که: او کجا است؟¹⁰ و در میان مردم درباره او همه بسیار بود. بعضی می‌گفتند: که مردی نیکو است و دیگران می‌گفتند: نی بلکه گمراه کننده قوم است.¹¹ و لیکن به سبب ترس از یهود، هیچ کس درباره او ظاهراً حرف نمی‌زد.

¹² و چون نصف عید گذشته بود، عیسی به معبد آمده، تعلیم می‌داد.¹³ و یهودیان تعجب نموده، گفتند: این شخص هرگز تعلیم نیافته، چگونه کتب را می‌داند؟¹⁴ عیسی در جواب ایشان گفت: تعلیم من از من نیست، بلکه از فرستنده من.¹⁵ اگر کسی بخواهد اراده او را به عمل آرد، درباره تعلیم خواهد دانست که از خدا است یا آنکه من از خود سخن می‌رانم.¹⁶ هر که از خود سخن گوید، جلال خود را طالب بُود و اما هر که طالب جلال فرستنده خود باشد، او صادق است و در او ناراستی نیست.¹⁷ آیا موسی تورات را به شما نداده است؟ و حال آنکه کسی از شما نیست که به تورات عمل کند. از برای چه می‌خواهید مرا به قتل رسانید؟

¹ After these things Jesus walked in Galilee: for he would not walk in Jewry, because the Jews sought to kill him.² Now the Jews' feast of tabernacles was at hand.³ His brethren therefore said unto him, Depart hence, and go into Judaea, that thy disciples also may see the works that thou doest.⁴ For there is no man that doeth any thing in secret, and he himself seeketh to be known openly. If thou do these things, shew thyself to the world.⁵ For neither did his brethren believe in him.⁶ Then Jesus said unto them, My time is not yet come: but your time is alway ready.⁷ The world cannot hate you; but me it hateth, because I testify of it, that the works thereof are evil.⁸ Go ye up unto this feast: I go not up yet unto this feast; for my time is not yet full come.⁹ When he had said these words unto them, he abode still in Galilee.¹⁰ But when his brethren were gone up, then went he also up unto the feast, not openly, but as it were in secret.¹¹ Then the Jews sought him at the feast, and said, Where is he?¹² And there was much murmuring among the people concerning him: for some said, He is a good man: others said, Nay; but he deceiveth the people.¹³ Howbeit no man spake openly of him for fear of the Jews.¹⁴ Now about the midst of the feast Jesus went up into the temple, and taught.¹⁵ And the Jews marvelled, saying, How knoweth this man letters, having never learned?¹⁶ Jesus answered them, and said, My doctrine is not mine, but his that sent me.¹⁷ If any man will do his will, he shall know of the doctrine, whether it be of God, or whether

I speak of myself.¹⁸ He that speaketh of himself seeketh his own glory: but he that seeketh his glory that sent him, the same is true, and no unrighteousness is in him.¹⁹ Did not Moses give you the law, and yet none of you keepeth the law? Why go ye about to kill me?²⁰ The people answered and said, Thou hast a devil: who goeth about to kill thee?²¹ Jesus answered and said unto them, I have done one work, and ye all marvel.²² Moses therefore gave unto you circumcision; (not because it is of Moses, but of the fathers;) and ye on the sabbath day circumcise a man.²³ If a man on the sabbath day receive circumcision, that the law of Moses should not be broken; are ye angry at me, because I have made a man every whit whole on the sabbath day?²⁴ Judge not according to the appearance, but judge righteous judgment.²⁵ Then said some of them of Jerusalem, Is not this he, whom they seek to kill?²⁶ But, lo, he speaketh boldly, and they say nothing unto him. Do the rulers know indeed that this is the very Christ?²⁷ Howbeit we know this man whence he is: but when Christ cometh, no man knoweth whence he is.²⁸ Then cried Jesus in the temple as he taught, saying, Ye both know me, and ye know whence I am: and I am not come of myself, but he that sent me is true, whom ye know not.²⁹ But I know him: for I am from him, and he hath sent me.³⁰ Then they sought to take him: but no man laid hands on him, because his hour was not yet come.³¹ And many of the people believed on him, and said, When Christ cometh, will he do more miracles than these which this man hath

آنگاه همه در جواب گفتند: تو دبو داری! که اراده دارد تو را بکشد؟²¹ عیسی در جواب ایشان گفت: یک عمل نمودم و همه شما از آن متعجب شدید.²² موسی ختنه را به شما داد نه آنکه از موسی باشد بلکه از اجداد و در روز سبت مردم را ختنه می‌کنید.²³ پس اگر کسی در روز سبت مخون شود تا شریعت موسی شکسته نشود، چرا بر من خشم می‌آورید از آن سبب که در روز سبت شخصی را شفای کامل دادم؟²⁴ بحسب ظاهر داوری مکنید بلکه به راستی داوری نمایید.

²⁵ پس بعضی از اهل اورشلیم گفتند: آیا این آن نیست که قصد قتل او دارند؟²⁶ و اینک، آشکارا حرف می‌زند و بدو هیچ نمی‌گویند. آیا رؤسا یقیناً می‌دانند که او در حقیقت مسیح است؟²⁷ لیکن این شخص را می‌دانیم از کجا است، اما مسیح چون آید هیچ‌کس نمی‌شناسد که از کجا است.

²⁸ و عیسی چون در معبد تعلیم می‌داد، ندا کرده، گفت: مرا می‌شناسید و نیز می‌دانید از کجا هستم و از خود نیامده‌ام بلکه فرستنده من حق است که شما او را نمی‌شناسید. اما من او را می‌شناسم زیرا که از او هستم و او مرا فرستاده است.³⁰ آنگاه خواستند او را گرفتار کنند ولیکن کسی بر او دست نینداخت زیرا که ساعت او هنوز نرسیده بود.³¹ آنگاه بسیاری از آن گروه بدو ایمان آوردند و گفتند: آیا چون مسیح آید، معجزات بیشتر از اینها که این شخص می‌نماید، خواهد نمود؟

³² چون فریسیان شنیدند که خلق درباره او این همه می‌کنند، فریسیان و رؤسای کهنه خادمان فرستادند تا او را بگیرند.³³ آنگاه عیسی گفت: اندک زمانی دیگر با شما هستم، بعد نزد فرستنده خود می‌روم.³⁴ و مرا طلب خواهید کرد و نخواهید یافت و آنجایی که من هستم شما نمی‌توانید آمد.³⁵ پس یهودیان با یکدیگر گفتند: او کجا می‌خواهد برود که ما او را نمی‌باییم؟ آیا اراده دارد به سوی پراکندگان یونانیان رود و یونانیان را تعلیم دهد؟³⁶ این چه کلامی است که گفت: مرا طلب خواهید کرد و نخواهید یافت و جایی که من هستم شما نمی‌توانید آمد؟

³⁷ و در روز آخر که روز بزرگ عید بود، عیسی ایستاده، ندا کرد و گفت: هر که تشنه باشد نزد من آید و

done?³² The Pharisees heard that the people murmured such things concerning him; and the Pharisees and the chief priests sent officers to take him.³³ Then said Jesus unto them, Yet a little while am I with you, and then I go unto him that sent me.³⁴ Ye shall seek me, and shall not find me: and where I am, thither ye cannot come.³⁵ Then said the Jews among themselves, Whither will he go, that we shall not find him? will he go unto the dispersed among the Gentiles, and teach the Gentiles?³⁶ What manner of saying is this that he said, Ye shall seek me, and shall not find me: and where I am, thither ye cannot come?³⁷ In the last day, that great day of the feast, Jesus stood and cried, saying, If any man thirst, let him come unto me, and drink.³⁸ He that believeth on me, as the scripture hath said, out of his belly shall flow rivers of living water.³⁹ (But this spake he of the Spirit, which they that believe on him should receive: for the Holy Ghost was not yet given; because that Jesus was not yet glorified.)⁴⁰ Many of the people therefore, when they heard this saying, said, Of a truth this is the Prophet.⁴¹ Others said, This is the Christ. But some said, Shall Christ come out of Galilee?⁴² Hath not the scripture said, That Christ cometh of the seed of David, and out of the town of Bethlehem, where David was?⁴³ So there was a division among the people because of him.⁴⁴ And some of them would have taken him; but no man laid hands on him.⁴⁵ Then came the officers to the chief priests and Pharisees; and they said unto them, Why have ye not brought him?⁴⁶ The

بنو شد.³⁸ کسی که به من ایمان آورد، چنانکه کتاب می‌گوید، از بطن او نهرهای آب زنده جاری خواهد شد.³⁹ اما این را گفت درباره روح که هر که به او ایمان آورد او را خواهد یافت زیرا که روح القدس هنوز عطا نشده بود، چونکه عیسی تا به حال جلال نیافته بود.

اختلاف در میان جمعیت

⁴⁰ آنگاه بسیاری از آن گروه، چون این کلام را شنیدند، گفتند: در حقیقت این شخص همان نبی است.⁴¹ و بعضی گفتند: او مسیح است. و بعضی گفتند: مگر مسیح از جلیل خواهد آمد؟⁴² آیا کتاب نگفته است که از نسل داود و از بیت لحم، دهی که داود در آن بود، مسیح ظاهر خواهد شد؟⁴³ پس درباره او در میان مردم اختلاف افتاد.⁴⁴ و بعضی از ایشان خواستند او را بگیرند و لکن هیچ‌کس بر او دست نینداخت.
⁴⁵ پس خادمان نزد رؤسای گهته و فریسیان آمدند. آنها بدیشان گفتند: برای چه او را نیاوردید؟⁴⁶ خادمان در جواب گفتند: هرگز کسی مثل این شخص سخن نگفته است!⁴⁷ آنگاه فریسیان در جواب ایشان گفتند: آیا شما نیز گمراه شده‌اید؟⁴⁸ مگر کسی از سرداران یا از فریسیان به او ایمان آورده است؟⁴⁹ ولیکن این گروه که شریعت را نمی‌دانند، ملعون می‌باشند.⁵⁰ نيقوديموس، آنکه در شب نزد او آمده و یکی از ایشان بود، بدیشان گفت: آیا شریعت ما بر کسی فتوی می‌دهد، جز آنکه اول سخن او را بشنوند و کار او را دریافت کنند؟⁵² ایشان در جواب وی گفتند: مگر تو نیز جلیلی هستی؟ تفحص کن و بین زیرا که هیچ نبی از جلیل برنخاسته است.⁵³ پس هر یک به خانه خود رفتند.

officers answered, Never man spake like this man.⁴⁷ Then answered them the Pharisees, Are ye also deceived?⁴⁸ Have any of the rulers or of the Pharisees believed on him?⁴⁹ But this people who knoweth not the law are cursed.⁵⁰ Nicodemus saith unto them, (he that came to Jesus by night, being one of them,)⁵¹ Doth our law judge any man, before it hear him, and know what he doeth?⁵² They answered and said unto him, Art thou also of Galilee? Search, and look: for out of Galilee ariseth no prophet.⁵³ And every man went unto his own house.